



هفتمین امام و گذار از مذهب طایفه‌ای به تشیع بدون مرز

موسی بن جعفر(ع) بین کسب اقتدار نظامی و یا بسط فرهنگ فکری، دومی را انتخاب نمودند و توانستند با این کار آینده‌ی تشیع را تضمین کنند.

تابناک: موسی بن جعفر(ع) بین کسب اقتدار نظامی و یا بسط فرهنگ فکری، دومی را انتخاب نمودند و توانستند با این کار آینده‌ی تشیع را تضمین کنند.

دوران امامت هفتمین آفتاب سپهر تشیع، یکی از تلخ‌ترین زمان‌هایی بود که خاندان پیامبر از دوره غصب خلافت، تجربه کردند. در واقع از زمان منصور دوانیقی تا حکومت هارون، بنی عباس در جریان تثبیت موقعیت خود در قبال علویان مرتکب جنایاتی شدند که امویان و مروانیان جرات ارتکاب آن را نداشتند.

بنی عباس با سوء استفاده از ناآگاهی مردم، خود را از خاندان پیامبر نامیده و توانستند بر رقبای خود غلبه کنند. با این حال خودشان به نیکی می‌دانستند که جای چه کسانی را پر کرده‌اند و به همین دلیل، فشار و آزار خاندان علی(ع) را از همان ابتدای کار آغاز نمودند. دوران امام کاظم مصادف با سخت‌ترین فشارها و سخت‌گیری‌ها و کشتار آل علی توسط منصور و هادی و هارون عباسی بود.

البته، شاید بهترین محمل این فشار، نفوذ دشمن و عدم وحدت علویون بر گرد امامان معصوم بود.

با انقراض بنی امیه و انحراف سیاسی برخی علویون که منجر به جان‌گرفتن مجدد تفکر کیسانی و زیدی با رویکرد قبیله‌ای و نظامی بر گرد نوادگان امیرالمومنین بود؛ داعیه داران امامت و علم‌های قیام با پرچم سیادت در زمان امام صادق و امام کاظم(علیهم‌السلام) زیاد شده بودند.

بی تردید اکثریت این قیام‌ها فاقد مشروعیت بود و از تفکری سرچشمه گرفته بود که بر اساس آن امامت از آن کسی تلقی می‌شد که به شمشیر قیام کرده باشد.

این تفکر زبیده که بعدها بخشی از آن در تشکیلات مخفی اسماعیلیه نیز تکرار شد، نه تنها برای رشد تشیع فایده‌ای نداشت، بلکه در بیشتر مواقع اسباب زحمت امامان واقعی را مستقیم و غیرمستقیم فراهم می‌آورد.

این انحراف تا جایی پیش رفت که برخی گروه‌های مدعی علوی اقدام به تهدید ائمه کردند و برخی دیگر در برابر طاعوت نامی و فشار علیه جریان اصیل امامت را جلو می‌بردند.

فی الجمله، ناهماهنگی سران علوی در این دوران اقتدار سیاسی ائمه را به شدت تضعیف نمود و فتنه‌ای به پا شد که در آن شورش‌های قدرت طلبانه از قیام‌های مشروع و امر به معروفی شریفان قابل تفکیک نبود و باعث قتل عام‌های سراسری سادات در سراسر جهان اسلام شد.

یکی از بزرگترین این فجایع که از نظر تاریخی پس از واقعه کربلا، جانسوزترین حادثه‌ی تاریخ تشیع به شمار می‌رود واقعه فح و شهادت حسین ابن علی حسنی در زمان امام کاظم(ع) است. این واقعه تا سال‌ها جان شیعه را سوخته و خاطره‌ی عاشورا را زنده نمود و قلب امام هفتم را جریحه دار نمود.

امام کاظم سلام الله علیه از طرفی با حکومت مستبد و خونخواری روبرو بود که برای حفظ سلطنت از هیچ جنابیتی ابا نداشت و از طرف دیگر با تفرقه شدید کسانی که تشیع فکری و عقیدتی را تحت لوای خویشاوندی نسبی با پیامبر در سطح یک جریان سیاسی و نظامی عمدتاً قومی و قبیله‌ای تنزل داده بودند و بدون آن که به لحاظ فرهنگی قرابتی با ولایت و امامت داشته باشند، به خلافت به عنوان یک ارث می‌نگریستند و به همین دلیل دقیقاً با همان روش بنی عباس در حال مبارزه و رقابت با دوستان و دشمنان برای کسب قدرت بودند.

این دوستان نا آگاه و عشیره‌ی غیر شیعه‌ی علوی که برای مقاصدشان گاهی فرقه‌سازی‌های عجیب و غریب هم می‌کردند و گاهی به تحریک اجتماع، تحت عناوین مهدویت اقدام می‌نمودند، بارها موجب برخورد طاعوت با جریان اصیل

امامت شدند و تاریخ گزارش کرده برخی زندان های سنگین امام کاظم هم به تحریک این افراو نا آگاه و دنیاطلب بوده است.

در مقابل چنین وضعیتی رویکرد امام هفتم به مبارزه ی فرهنگی و تبدیل تشکیلات قبیله ای این نوع علویون زیدی و اسماعیلی و کیسانی به یک جریان فکری و فرهنگی، توانست تا حد زیادی شیعه ی ناب را از خطرات نجات دهد .

امام در ادامه سیره پدرشان، سال ها به آموزش تفکر فقهی و اعتقادی شیعی به ویژه برای وکلایی پرداختند که ظاهرا هیچ نسبت خونی با علویون نداشتند.

امام با تاسیس نظام وکالت نه تنها تشیعی که با جنبش نظامی طالبیین یک جریان طایفه ای رقیب قدرت حاکمه شناخته می شد را از یک حلقه بسته ی تحت محاصره و تهدید نجات داد و باعث نشر تشیع در اقصا نقاط جهان اسلام و به ویژه ایران شد؛ اولین گام آماده سازی جامعه برای دوران غیبت را برداشت.

جامعه از زمان امام کاظم با یک رویه جدیدی از تشیع روبرو شد که با وجه قالب چهره ی زیدی-اسماعیلی تفاوت عمده داشت. تشیع امام کاظم درباره زندگی اسلامی سخن می گفت و دغدغه آن کسب قدرت نبود.

امام کاظم و پدر و جد بزرگوارشان از بی ثباتی قدرت سیاسی در راستای تولید قدرت نرم بهره جستند و این قدرت فزاینده که در آینده نشان داد بالاترین سلاح تشیع و در نهایت تضمین کننده ماندگاری علویون در تاریخ می شود، موضوع تربیت بود و بسط امامت به وکالت و در نهایت ولایت فقها بود.

به عبارتی موسی ابن جعفر(ع) بین کسب اقتدار نظامی و یا بسط فرهنگ فکری ،دومی را انتخاب نمودند و توانستند با این کار آینده ی تشیع را تضمین کنند.

شاید به ره آورد این رویکرد هم بود که پس از آن امام همام فرقه سازی علویون در زمان امامان بعدی متوقف شد و پس از شهادت حضرتشان تا زمان غیبت شاهد بروز یک واقفیه جدی نبودیم.

زندگی و خدمات امام هفتم که گاهی به اشتباه تصور می شود کل دوران امامت شان را در زندان گذراندند؛ داستان عبرت آموزی از زمانه ای است که گاهی انحراف در جبهه خودی باعث شهادت و حبس امام معصوم می شود و نشان می دهد دنیا طلبی و عافیت جویی تا کجا می تواند باعث به مخاطره افتادن جبهه حق باشد.

در عین حال فراموش نکنیم که جریان فقاقت و اجتهاد تشیع مرهون شجاعت و اعتماد بزرگ امام موسی کاظم سلام الله علیه به علمای راستین تشیع است. چیزی که به عنوان چراغ راه دوره غیبت باعث ادامه حیات دین در عصرهایی شد که طاغوت نور خدا را خاموش کرده بود.

محمدصادق دهنادی